



ادحا





فهرست

۳.....	ستایش.....
۵.....	حقیقت جویی.....
۷.....	رستگاری و هدایت.....
۱۳.....	بندگی.....
۱۴.....	عشق و شادی.....
۲۰.....	پاکی و خلوص.....
۲۱.....	وارستگی.....
۲۴.....	اخلاق روحانی.....
۲۶.....	خدمت.....
۲۹.....	یگانگی.....
۳۳.....	صلح.....
۳۶.....	درخواست یاری.....
۴۲.....	شُکر.....
۴۴.....	رزق و روزی.....





۴۵.....حفظ و حمایت

۴۷.....عفو و بخشش

۵۳.....پدر و مادر

۵۴.....کودکان

۵۶.....نوجوانان

۵۷.....دختران

۵۸.....ازدواج

۵۹.....شفای بیماران

۶۰.....ترک آلودگی و اعتیاد

۶۱.....درگذشتگان

۶۴.....ایران

۶۷.....مآخذ





ستایش

صفحه | ۳

هُوَ الْأَبْهَى الْأَبْهَى

پروردگارا آمرزگارا چگونه زبان به ستایشت گشایم و پرستش و نیایش
نمایم تقریر عینِ تقصیر است و تحریر دلیل نادانی در این امرِ عسیر
زبان آلتی است مُرکَّب از عناصرِ صوت و بیان عرضی است از عوارض
به آلت عنصری و صوت عارضی چگونه توان نعت و ستایش حضرت
بیچون گفت آنچه گویم و جویم از مُدرکات عالم انسانی است و در
تحت احاطهٔ عالم بشری نتایج فکریه چگونه به معارج الهیه رسد و
عنکبوت اوهام چگونه به لعاب ظنون و افهام بر رُفرف تقدیس تند جز
بیان عجز چاره ای نه و به غیر از اعتراف به قصور بهانه ای نیست تو
غنی متعالی و مقدّس از ادراک عقول اهل کمال ... ع ع^۱

هُوَ الْأَبْهَى

ای پروردگار ستایش و نیایش تو را لایق و سزاوار که این مردهٔ افسرده
را جان بخشیدی و این گمگشتهٔ سر گشته را به دارُ الأمان راه دادی
این بی سر و سامان را در مأمن الطاف پناه دادی و این تشنهٔ سوخته را
به رحیق مختوم و ماءِ عَذْبِ حَيَّوَانِ سیراب فرمودی چه که به هدایت





کُبری فائزِ داشتی و به موهبتِ عظیمی مُخصّص کردی کردگارا شکر تو
را حمد تو را نیایش تو را. ع ع^۲

هُوَاللّٰه

ای پروردگار این آوارگان را به سایهٔ خویش در آوردی و سَر و سامان
دادی. نیستی را هستی دادی و نابود را وجود بخشیدی تشنگان را آب
گوارا دادی و گرسنگان را سفرهٔ مهنّا گستردی و نعمت مهیّا رایگان
نمودی پس در هر موردی ملجأ و پناه باش و در هر مقصدی مُعین و
مُستعان گرد تویی مقتدر و توانا تویی دهنده و شنونده و توانا و بینا.

ع ع^۳





حقیقت جویی

هُوَاللّٰه

ای خداوند مهربان بصیرت ها را روشن کن گوش ها را شنوا نما دل های مرده را زنده کن نفوس خواب را بیدار نما خداوندا ما را از هر قیدی آزاد فرما و به جهان نا محدود خویش دلالت کن خداوندا عنایتی فرما که تو را بشناسیم و عاشق جمال تو باشیم جویای شمس حقیقت باشیم از هر افقی طالع شود طالب راتحه طیبه باشیم از هر گلی انتشار یابد خداوندا ما را از عالم محدود نجات ده و به جهان نا محدود خویش رسان تا در سبیل تو سلوک نماییم جستجوی تو نماییم و مشاهده جمال و کمال تو کنیم تویی بخشنده تویی مهربان تویی قادر و توانا. ع ع^۴

هُوَاللّٰه

ای خداوند مهربان قلوب را به نور هدایت کبری منور فرما جان ها را به بشارت عظمی حیات بخش چشم ها را به مشاهده انوارت روشن کن گوش ها را به استماع ندایت شنوا فرما ما را در ملکوت تقدیست داخل نما و به نَفَثَاتِ رُوحِ الْقُدُسِ زنده کن حیات ابدیه بخش کمالات آسمانی عطا فرما خداوندا جان های ما را فدای خود کن و ما را روح جدید کرم نما قوتی آسمانی ده سرور ابدی بخش موفق به خدمت عالم انسانی نما





سبب الفت بین قلوب کن خداوندا ما را از خواب بیدار فرما و عاقل و
هوشیار کن تا به اسرار کتاب مقدّست واقف گردیم و به رموز کلمات
پی بریم تویی مقتدر تویی دهنده تویی مهربان. ع ع^ه





رستگاری و هدایت

الها کریمَا رحیما

تویی آن سلطانی که به یک کلمات وجود موجود گشت و تویی آن کریمی که اعمال بندگان، بخششت را منع نمود و ظهورات جودت را باز نداشت. از تو سؤال می نمایم این عبد را فائز فرمایی به آنچه سبب نجاست در جمیع عوالم تو. تویی مقتدر و توانا و تویی عالم و دانا.^۶

الها معبودا

از توام و به تو آمدم قلبم را به نور معرفتت منیر فرما. تویی مقتدری که قدرت عالم و امم از اقتدارت باز نداشت. از یک اشراق از نیر کرمّت دریاهاى کرم ظاهر و از یک تجلّی از نیر جودت عالم وجود موجود. ای پروردگار آنچه لایق ایامت نیست آخذ نما و آنچه قابل است عطا فرما. تویی آن بخشنده ای که بخششت محدود به حدود نه. عباد تویم تو را می جویم و از تو می طلبیم. تویی فضال و تویی بخشنده.^۷

الها معبودا مسجودا ملکا بی نیازا

دوستانت را از دریای آگاهی بی نصیب مفرما و از مشاهده انوار آفتاب ظهور محروم مساز. ای کریم از یک شعله نار محبت عالم را مشتعل





نمودی و به یک تجلی از تجلیات انوار وجهت مُقَرَّبین و مخلصین را به مَشْعَر فدا فرستادی. تویی سلطانی که قدرت کائنات تو را ضعیف نمود و شوکت امرا از اراده‌ات باز نداشت. به اسمت رایة «بِفَعْلُ ما یَشَاء» مرتفع. در این لیلة دَلْماء از تو مسئلهت می‌نمایم دوستانت را از کوثر معانی قسمت عطا فرما و از حَیوة ابدی نصیب کامل بخش. سراجت را اریاح عاصفات خاموش ننماید و سدرهٔ امرت را سیلاب‌های عالم از مَقَرِّ بر نیارد. ذکر در کام عَشَّاق از هر شهدی شیرین تر و اسمت در مذاق اهل وفاق از ما فی الآفاق خوش‌تر و محبوب‌تر. ای کریم، دوستانت را حفظ فرما و بر آنچه سزاوار است تأیید نما. إِنَّکَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ عَلٰی ما نَشَاء، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْقَوِيُّ الْعَلِیمُ الْحَکِیمُ.^۸

هُوَ اللَّهُ

ای پروردگار من گنه‌کارم و تو آمرزگار مدهوش از خمر غفلتم هوشی عنایت کن مشغول به اذکار جهان پُرغمم گوشی عنایت فرما تا آهنگ ملاً اعلیٰ بشنود و گلبانگ عندلیب قدست استماع نماید و نفحات طیور شکور به قوّه و اعیه احساس کند ای پروردگار پرده از چشم بردار تا مشاهدهٔ آیات کبری کنم و ملاحظهٔ دقائق اسرار کبریا نمایم دل را جانی ببخش و جان را روح و ریحانی عطا فرما که سزاوار این قرن عظیم باشد و لایق این عصر مجید. ع ع^۹





هُوَاللّٰه

ای تَبَّاءِ آسمانی ما ضعیفیم و تو توانا ما فقیریم و تو کنز غنا تأییدی
فرما جان و دل را سرور ابدی بخش و حیات سرمدی ده ثابت بر
میثاق بدار و از اهل نِفَاق بیزار کن روحی جدید بدم قَوَّتی شدید بخش
پردهٔ اوهام بَدَر انوار اسرار برفروز تویی مهربان تویی توانا. عبدالبهاء
عَبَّاس^{۱۰}

صفحه | ۹

هُوَاللّٰه

ای پروردگار مهربان این انجمن به جهت نصرتِ کَلِمَةِ اللّٰه و رُوحِ القُدُس
تشکیل شده تأیید و توفیق بخش و مُؤَيَّد به قُوَّةٔ آسمانی نما تا این
انجمن چون شعلهٔ نورانی بر افروزد و انوار رحمانی مبذول دارد و
اطراف را روشن کند تعالیم آسمانی ترویج نماید و به وحدت عالم
انسانی خدمت کند نفوس را از ظلمات عالم طبیعت مُنْسَلَخ نماید و به
نورانیتِ الهیه روشن نماید تعمید به روح و نور و حیات ابدیه بخشد.
عبدالبهاء عَبَّاس^{۱۱}

هُوَاللّٰه

ای پروردگار مهربان این کسان بندهٔ آستانند و در نهایت صدق و
راستی و درستی جام آمال سرشار فرما انوار تابان کن پرتو عنایت





ببخش مظهر موهبت بفرما روز به روز ترقّی بخش و الطاف افزون فرما
تا این نفوس نفیسه به آعلی درجهٔ فلاح و نَجاح وصول بیابند تویی
مقتدر و تویی دهنده و بخشنده و بینا. عبدالبهاء عبّاس^{۱۲}

صفحه | ۱۰

هُوَالابهی

ای پروردگار تویی آمرزگار و مَلجأ و پناه هر گناهکار بیچارگانیم چاره
بخش دردمندانیم درمانی عطا فرما بی سر و سامانیم مَلجأ و پناهی ده
گمگشتگانیم به درگاه هدایت فرما آوارگانیم منزل و مأوایی عطا فرما
تویی مهربان تویی رحمن تویی مَنَّان تویی مُستعان. ع ع^{۱۳}

هُوَالله

الهی گواهی که آرزوی مشاهدهٔ انوار کنم و تمنای ادراک اسرار از
بیگانگی بیزار نما و به یگانگی خویش آشنا و کامکار فرما غمخوارم
غمگساری کن خاکسارم بزرگواری نما یزدان مهربانم تویی بخششی
بخش که رُخم تابنده و درخشنده گردد و زندگی پاینده مُیسّر شود.

ع ع^{۱۴}





هُوَاللّٰه

ای پروردگار آمرزگاری و ای کردگار بزرگواری پس یاران مشتاق را بهره‌ای از اشراق ده و عشاق روی خویش را پرتوی از دلبر آفاق بخش آوارگان بادیه هجران را به حریم وصال در آر و گمگشتگان صحرای فراق را مُحَرَمِ حَرَمِ وصال کن عاشقان را از حیران نجات ده و آشفتهگان را در بزم قُرب سر و سامان بخش صامتان را ناطق کن و قانطان را امیدوار فرما بیگانگان را آشنا کن و محرومان را مَحَرَمِ راز فرما مخمودان را برافروز و منجمدان را به نار محبّت بسوز طریق هُدی بنما و ابواب ملکوت ابهی بگشا بنیان حسد و بغضا برانداز ایوان محبّت و وفا برافراز و بیچارگان را چاره ساز ای دلبر مهربان هر بینوایی سر گشته تو و هر مرغ بی پر و بالی گرفتار موی تو و هر سر گشته و سر گردانی ناظر به سوی تو و هر سوخته‌دلی تشنه جوی تو و جهانیان هر چند غافلند ولی به جان در گفتگوی تو ندانند و شناسند نجویند و نپویند ولی مستحقّ الطافند و سزاوار عنایت و اعطاف ای کریم نظر به استعداد هر سَقیمِ مفرما به فضلِ عَمیمِ معامله کن و به نور مبین هدایت فرما یاران خویش را یآوری کن و عاشقان ملکوت جمال را بشارت وصال ده و دردمندان عشق را درمان دل و جان بخش هر یک را بر خدمت آستان موفّق کن و در زمره راستان در آر و از دوستان راستان کن تویی مقتدر و توانا تویی بخشنده و درخشنده و تابان ع^{۱۵}





هُوَ اللَّهُ

ای خداوند مهربان قلوب را به نور هدایت کبری منور فرما جان ها را به بشارت عظمی حیات بخش چشم ها را به مشاهده انوارت روشن کن گوش ها را به استماع ندایت شنوا فرما ما را در ملکوت تقدیست داخل نما و به نفثاتِ رُوحِ الْقُدُسِ زنده کن حیات ابدیه بخش کمالات آسمانی عطا فرما خداوندا جان های ما را فدای خود کن و ما را روح جدید کرم نما قوئی آسمانی ده سرور ابدی بخش موفق به خدمت عالم انسانی نما سبب الفت بین قلوب کن خداوندا ما را از خواب بیدار فرما و عاقل و هوشیار کن تا به اسرار کتاب مقدّست واقف گردیم و به رموز کلمات بی بریم تویی مقتدر تویی دهنده تویی مهربان. ع ع^{۱۶}

هُوَ اللَّهُ

خدایا هدایت نما، حفظ فرما، سراج روشن کن، ستاره درخشنده نما، تویی مقتدر و توانا. ع ع^{۱۷}





بندگی

هُوَ اللَّهُ

ای پروردگار این بنده ضعیف را با دوستانت در آستان عبودیت مَقَرِّ و
مَأْوَى بخش تا به شروطِ عُبُودیت قیام و جان و دل و تن در کمال
سرور نثار نمایم تویی مُعْطَى و مُؤَيِّد در جمیع شؤن. ع ۱۸

صفحه | ۱۳





عشق و شادی

هُوَاللَّهِ

ای دلبر آفاق این اهل اشراق را از حلاوت ساغر محبت شیرین مذاق
فرما تویی توانا. عبدالبهاء عباس^{۱۹}

صفحه | ۱۴

هُوَاللَّهِ

ای پروردگار عالمیان در این جهان به آتش عشقت بسوز و در آن
جهان به مشاهده روی مه‌رویت کامران فرما. در این عالم چون شمع
بگداز و در آن عالم چون پروانه گرد شعلهٔ جمالت پرواز ده تویی
خجسته دلبر من و تویی فرخنده یارِ جان‌پرور من. ع ع^{۲۰}

هُوَالابهی

ای یزدان رحمن جانم فدای خاک آستانت بوی خوشی به مشامم رسان
و به کوی خویش دلالت فرما بیچاره‌ام چاره‌ای کن آواره‌ام دل صد
پاره‌ای ده مونس جانم باش و راحت و مسرتِ وجدانم گرد چون عنایت
کنی اُنس است و چون عدالت نمایی وحشت است تویی رحیم و کریم و
مهربان. ع ع^{۲۱}





هُوَ الْحَقُّ الْقَيُّومُ

إلهی تو بینا و آگاهی که مَلَجاً و پناهی جز تو نَجُسْتَه و نجویم و به غیر از سبیل مَحَبَّتِ راهی نییموده و نپویم در شبان تیرهٔ نومیدی دیده‌ام به صبح امیدِ الطاف بی نهایت روشن و باز و در سحر گاهی این جان و دلِ پژمرده به یاد جمال و کمال خرم و دمساز هر قطره‌ای که به عواطفِ رحمانیت مَوْفَق بحریست بیکران و هر ذَرّه‌ای که به پرتو عنایت مَوْجِد آفتابیت درخشنده و تابان پس ای پاک یزدان من این بندهٔ پُرشور و شیدا را در پناه خود پناهی ده و بر دوستی خویش در عالم هستی ثابت و مستقیم بدار و این مرغ بی پر و بال را در آشیان رحمانی خود و در شاخسار روحانی خویش مسکن و مأوایی عطا فرما.

ع ۲۲

هُوَ الْإِلَهِيُّ الْإِلَهِيُّ

ای یزدان پاک این بندهٔ دیرین را اندوهگین مَخواه شادمانی آسمانی بخش و فَرِّ یزدانی بده ستارهٔ روشن نما و گل گلشن کن سَرَوَر آستان نما و اَفْسَر جهان بالا بر سَر نِه رویش را بدرخشان و گوهرش را بیفشان جانش را مُشکبار کن و دلش را گلزار نما تا بوی خوی خوشش جان پرور گردد و پرتو رویش افزون از ماه و اختر تویی مهربان و تویی بخشنده و توانا.^{۲۳}





هُوَاللّٰه

ای خداوند بی‌همتا این نفوس پُرشوق و وَله را به رحمت بی پایان مَوْقق فرما تا مواهب عالم انسانی گردند و مظاهر الطاف ربّانی در گلستان هدایت گل‌های پُرطراوت گردند و در ریاض حقیقت درختانی در نهایت لطافت ای خداوند بر خدمت خویش مَوْقق فرما و از بیگانه و خویش مُستغنی کن در هر دمی شبمی فرست تا گلشن قلوب سبز و خرم گردد و ریاحین فیض عنایت بروید.

ع ۲۴

هُوَاللّٰه

ای پروردگار ای آمرزگار این محفل به ذکر تو آراسته و این جمع توجّه به ملکوت تو نموده. دل‌ها پُرمسرت است و جان‌ها در نهایت بشارت. خداوند مهربانا این جمع را شادمان کن و در ملکوت خویش کامران فرما گناه ببخش پناه بده آگاه کن و به بارگاه ملکوت درآر. تویی دهنده تویی بخشنده و مهربان.^{۲۵}

هُوَاللّٰه

ای خدای پُرعطای ذُوالمین

واقف جان و دل و اسرار من





در سحرها مونس جانم تویی

مطلع بر سوز و حرمانم تویی

هر دلی پیوست با ذکر تو دمی

جز غم تو می‌نجوید محرمی

خون شود آن دل که بریان تو نیست

کور به چشمی که گریان تو نیست

در شبان تیره و تاری قدیر

یاد تو در دل چو مصباح منیر

از عنایات به دل روحی بدم

تا عدم گردد ز لطف تو قدم

در لیاقت منگر و در قدرها

بنگر اندر فضل خود ای ذوالعطا

این طیور بال و پر اشکسته را

از کرم بال و پری احسان نما.

ع ۲۶

هُوَاللّٰهُ

ای خداوند مهربان این دل را از هر تعلقی فارغ نما و این جان را به هر
بشارتی شادمانی بخش از قید آشنا و بیگانه آزاد کن و به محبت





خوبش گرفتار نما تا بگلی شیدای تو گردم و دیوانه تو جز تو نخواهم و
جز تو نجویم و به غیر از راه تو نیویم و به جز راز تو نگویم مانند مرغ
سحر در دام محبت تو گرفتار گردم و شب و روز بنالم و بزارم و بگریم
و بگویم یا بهاء الابهی. ع ع^{۲۷}

هُوَالله

نور محبت الله از پرتو شمس روشن تر است. هر رخی که به آن نور
روشن، رشک آفتاب است و غِبْطَةُ مَه تَابَان. ع ع^{۲۸}

هُوَالابهی

پروردگارا مور ضعیفم و پشه نحیف بال و پری شکسته دارم و پایی از
دوری بادیه حسرت خسته چشم گریانم بین و جگر سوزانم نظر فرما آه
و فغانم جمع طیور را به فریاد آورده و آه پُر حسرتِ قلبم چون شعله
سوزان به جان جهان آتش زده از افق ابهات فیض انوار کن و از
ملکوت اعلایت بذل اسرار نما ای نیشان عنایت بارش و ریزش ارزان
کن و ای شمس حقیقت تابش و درخشش فراوان بنما شاید این قلوب
افسرده تازه و زنده گردد و این نفوس مرده حیات بی اندازه یابد.

ع ع^{۲۹}





هُوَ اللَّهُ

ای دلبر آفاق بنده مشتاق را نصیبی از اشراق ده روح را پرفتوح کن و
دل را از بند آب و گِل برهان و چون گل خندان کن و چشم را مانند
ابر گریان فرما تا در آتش عشقت بسوزد و بسازد و به آهنگ خوشی
به مدائح و نعوت پردازد و بنوازد ای پروردگار کامکار فرما و در دو
جهان سر فراز کن تویی مقتدر و توانا. عبدالبهاء عباس^{۳۰}

اللّٰه ابھی

ای پروردگار مهربان ای یزدان پاک این بنده ضعیف را در ظلّ کلمه
رحمانیتت مقرر ده و این عبد حزین را در سایه شجره سرور مأوی
بخش، این بی نصیب را نصیبی عنایت کن و این بی بهره را بهره ای
بخش از بحر عنایت قطره ای برسان و از نهر موهبت رشحه ای مبذول
کن تا حیات تازه یابم و موهبت بی اندازه جویم. ع ع^{۳۱}





پاکی و خلوص

الهی الهی

این عبد را از شرّ نفس و هوی حفظ فرما و به نور برّ و تقوی مُزین دار. ای مالک من مملوکت تو را ذکر می‌نماید و لازال بَصَرش منتظر عنایاتِ لانهایه تو بوده و هست. پس باز کن باب رحمتت را و قسمتی عطا فرما این عبدِ مُتَمَسِّکَت را. از یک کلمه غلیبا عالم وجود را موجود فرمودی و به انواع مائده و نعمت و آلاءِ لَاتُحْصِی مزین داشتی. تسویٰ بخشنده و توانا لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَلِيُّ الْإِلَهِيُّ.^{۳۲}

هُوَ اللَّهُ

پروردگارا قلب صافی چون دُرّ عطا فرما. ع ع^{۳۳}

هُوَ اللَّهُ

ای رحمان ای رحیم دلی چون میرآتِ لَطِيفِ صافی عطا کن تا به انوارِ مَحَبَّتت روشن و مُنیر گردد و به الهاماتِ روحانیه و معنویه مُلْهِم فرما تا عالم وجود را چون بهشت برین نماید. ع ع^{۳۴}





وارستگی

هوالله

ای پروردگار مرا بیدار کن هشیار نما از غیر خود بیزار کن و به محبت
جمالت گرفتار نما نفخة رُوحِ القُدُس بخش و ندای ملکوت ابهی به
گوش رسان قوت روحانی عطا کن و سراج رحمانی در زجاج قلب
برافروز از هر بندی آزاد کن و از هر تعلقی نجات ده تا جز رضای تو
نطلبم و به غیر از روی تو نجویم و دون راه تو نپویم نفوس غافله را
هشیار کنم و ارواح خفته را بیدار نمایم تشنگان را آب حیات بخشم و
مریضان را شفای الهی دهم. هر چند حقیرم ذلیم فقیرم اما پشت و
پناهم تویی و مُعین و ظَهِیر هم تویی تأییدی عنایت فرما که کلّ حیران
گردند. خدایا تویی مقتدر و توانا و بخشنده و دهنده و بینا. ع^{۳۵}

هُوَالله

ای دلبر ابهی ای محبوب یکتا دل از هر دو جهان برداشتیم چون عَلم
مَحَبَّتت بر افراشتیم رخ از عالم و عالمیان برتافتیم چون روی دلجوی
تو یافتیم چشم از غیر تو بر بستیم چون به جمال تو گشودیم ای معشوق
حقیقی پرتوی در دلها افکن و جلوه‌ای در قلوب بنما تا از هر قیدی
آزاده گردیم و به کَلّی گرفتار تو شویم شعله میثاق گردیم و نجوم
بازغه از مطلع اشراق. ع^{۳۶}





هُوَالابهی

ای مهربان یزدان من، این تن را جان بخش و به جانان برسان و از زندان برهان و به ایوان آسمان در آر. جهان خاک تنگ است، به عالم پاک بی رنگ پرواز ده و عالم ترابی ظلمانی است، به جهان نورانی طیران بخش. امکان نقص صیرف و نیستی محض است، از کمالِ وُجوبِ مطلق جلوه و فیض بخش. پستی را بلندی ده و مستمندی را ارجمندی عنایت فرما. تودهٔ عَبْرَا را جَنَّتِ اعلیٰ کن و گلشنِ دل‌ها را حدیقهٔ ابهی فرما، بیهوشان را هوشی ده و خفتگان را بیدار نما و غافلان را هوشیار کن و محرومان را محرم اسرار نما و مجرمان را مَظْهَرِ غفران کن و مایوسان را امیدوار نما. قرن عظیمت را به عنایت قدیمت مزین کن. تویی مقتدر و توانا و تویی عالم و بینا. ع ع^{۳۷}

هُوَالله

یکتا خداوند مهربانا هر چند استعداد و قابلیت مفقود است و مشکلات استقامت در بلایا غیرِ مَحْصُورِ ولیِ قابلیت و استعداد امریست موهوبِ تو خدایا استعداد بخش و قابلیت ده تا به استقامت کبری موقِّقِ آئیم و از این جهان و جهانیان درگذریم و نار محبَّت بر افروزیم و مانند شمع بسوزیم و بگدازیم و روشنی بخشیم ای رَبِّ ملکوت از این جهانِ اوهام برهان و به جهان بی پایان برسان از عالم ناسوت بیزار کن و به مواهب





ملکوتِ کامکار فرما از این نیستی هستی‌نما برهان و به هستی حیاتِ
ابدیه موقّق فرما سرور و شادمانی بخش و خوشی و کامرانی عطا فرما
دل‌ها را آرام بخش و جان‌ها را راحت عطا کن تا چون به ملکوت
صعود نمائیم به لِقائتِ فائز گردیم و در انجمنِ بالا مسرور و شادمان
باشیم تویی دهنده و بخشنده و توانا. ع ۳۸

هُوَالابهی

ای پروردگار مهربان دوستان را در صونِ حمایتِ خویش محفوظ دار و
از کم و بیش بیزار کن از کون و امکان و آرایشِ آکوانِ منقطع فرما و به
نفحاتِ لامکانِ زنده و تر و تازه. ع ۳۹





اخلاق روحانی

هوالله

ای پروردگار نفوس را مقدّس از فکر نام و نشان نما و از عالم بی نام و نشان خبردار کن جوهر تقدیس فرما ساذج تنزیه کن مجرد از جمیع علائق فرما و مطهر از کلّ تصوّرات. پاک و تابناک کن روشن و منور فرما به جهان دیگر ناظر کن و به فکر دیگر انداز تویی مقتدر و توانا و تویی دهنده و بخشنده و بینا. ع ع ۴۰

هُوَاللّٰه

ای خداوند این کنیز مستمند را در ملکوت خویش قبول نما و به فیض ابدی محفوظ فرما جام عشق بنوشان و نور عرفان بخش در چشمهٔ آیوب غوطه ده و از میحَن و آلام اخلاق بشری شفا بخش پرتوی از صفات خویش مبذول فرما آسمانی کن ربّانی نما نَفَثَاتِ رُوحِ الْقُدُسِ بدم به روح وحدت عالم انسانی زنده نما لسان ناطق ده قلب فارغ بخش حُجَج و بُرْهَانُ الْهَامِ کن و سبب هدایت نفوس فرما تویی مقتدر و توانا و تویی کریم و رحیم و دانا. ع ع ۴۱





هو الله

ای پروردگار آن مشتاقان را تجلّی عنایت فرما و ابواب موهبت بگشا از هر آلودگی طیب و طاهر کن و از هر ناشایستگی آزادی بخش قمیصشان چون پیرهن یوسف معطر کن و خُلق و خویشان را چون جیب نسیم صبا پُر مشک و عنبر نما به صفات رحمانیت مُتّصِف کن و به اخلاق روحانیان متخلّق تا آیات توحید گردند و یّینات اشراق نور ربّ فرید سبب عزّت امر تو گردند و علّت بزرگواری قدر خود تا شدّتشان به رَخا مبدّل گردد و فقرشان به غنا عزّت ابدیه یابند و موهبت سرمدیه مظاهر تقدیس گردند و مطالع تنزیه از عالم نورانیت و روحانیت حکایت کنند تا جمیع ابواب از جمیع جهات بر وُجوهشان گشوده گردد اِنَّكَ اَنْتَ الْقَوِيُّ الْقَدِيرُ. ع ۴۲





خدمت

إِلَها مَعْبودا كَرِیما رَحِیما

تویی آن سلطانی که سلاطین عالم نزد اِسْمی از آسمایت خاضع و خاشع. ای کریمِ کرمت عالم را احاطه نموده و رحمتت سبقت گرفته. تو را قسم می دهم به کلمهٔ عَلِیا و اِقتدار قلمِ اَعْلٰی که این عبد را مُؤَيِّد فرمایی بر آنچه لایق اِیّام تو است. غریبی اِرادۀ وطن اَعْلٰی نموده و قاصدی قصد غایتِ قُصوی کرده او را مَدَد فرما تا بر خدمتت قیام نماید و به انتشار آوایر و احکامت مشغول گردد. ای کریم این فقیر را از بَحْر غنایت مَحْرُوم منما و این مسکین را در ظلّ رحمتت مَقَرِّ دِه که شاید از نَفحاتِ وَحٰی تازه شود و به حیات اَبَدی فائز گردد. تویی قادر و توانا و تویی عالِم و دانا. لا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ العَلِیُّ العَلِیُّ.^{۴۳}

هوالله

پروردگارا مهربانا این جمع توجّه به تو دارند مناجات به سوی تو نمایند در نهایت تَضَرُّع به ملکوت تو تَبَتَّل کنند و طلب عفو و غفران نمایند خدایا این جمع را محترم کن این نفوس را مقدّس نما انوار هدایت تابان کن قلوب را منوّر فرما نفوس را مستبشر کن جمیع را در ملکوت خود داخل فرما و در دو جهان کامران نما خدایا ما ذلّیلیم عزیز فرما عاجزیم قدرت عنایت فرما فقیریم از کنز ملکوت غنی نما علیلیم شفا عنایت





کن خدایا به رضای خود دلالت فرما و از شئون نفس و هوی مقدّس دار خدایا ما را بر محبّت خود ثابت نما و بر جمیع خلق مهربان فرما موفّق بر خدمت عالم انسانی کن تا به جمیع بندگان خدمت نمایم جمیع خلقت را دوست داریم و به جمیع بشر مهربان باشیم خدایا تویی مقتدر تویی رحیم تویی غفور و تویی بزرگوار.

ع ۴۴

هُوَاللّٰهُ

خدایا ما ضعیفیم تو قوی کن ما نادانیم تو دانا فرما خدایا فقیریم غنای ملکوتی ده خدایا مرده ایم حیات سرمدی بخش خدایا ذلّت محضیم در ملکوت عزیز فرما اگر تأییدات آسمانی شامل گردد هر یک از ما ستاره درخشنده گردد و الاّ از خاک پست تر شود خدایا تأیید کن نصرت فرما ما را غالب بر نفس و هوی کن و از عالم طبیعت نجات ده خدایا به نَفَثَاتِ رُوْحِ الْقُدُّسِ زنده فرما تا به خدمت تو قیام نمایم و به عبادت تو مشغول گردیم و با نهایت صدق و صفا به انتشار آثار ملکوتت پردازیم تویی مقتدر و توانا و تویی بخشنده و مهربان. ع ۴۵





هُوَ اللَّهُ

پاک یزدانا بینایی و شنوا و مقتدری و توانا صیتِ تَبَّأَ عَظِيمٍ در جمیع اقالیم منتشر و پرتو شمس حقیقت در کلّ آفاق ساطع و باهر یاران در نهایت روح و ریحان و دوستان منجذب روی آن مه تابان زبان‌ها به ذکرت همدم و قلوب به نفحات قدست مستبشر دمبدم. روی‌ها همه سوی تو و دل‌ها اسیر کوی تو و جگرها تشنه جوی تو ندای اسم اعظمت زلزله در آفاق انداخته و قوّت کلمه آتَمَّتْ عَلَمٌ بر شرق و غرب افراخته مُقْبِلانِ کلّ در نهایت تَبْتَلٌ و ابتهال و مؤمنان در کمال تَضَرُّعٌ به ملکوت جمال پروردگارا کلّ را تأیید فرما و توفیق عطا کن تا سبب آسایش جهان آفرینش گردند و شرق و غرب را آرایش بخشند سبب الفت و اتّحاد عالم گردند و خادم نوع بشر شوند جمیع اُمَم را به جان و دل دوست حقیقی گردند و کافّة ادیان را در نهایت روح و ریحان یار روحانی شوند ظلمات بیگانگی محو کنند و آواز یگانگی در جهان منتشر فرمایند خداوندا کلّ را در پناه خویش پناه ده و به الطاف بی‌پایان شادمان و کامران فرما تویی مقتدر و توانا و تویی بیننده و شنوا.

ع ۴۶





یگانگی

هُوَالله

ای پروردگار یاران را کامکار کن و به عبودیت همدم و دمساز فرما
قلوب را نورانی فرما و وجوه را رحمانی کن تا بنیان محبت و مهربانی
در عالم انسانی تأسیس گردد و نوع بشر به یکدیگر مفتون و مهرپرور
گردند شرق دست در آغوش غرب نماید فرنگ بی درنگ سبیل
محبت پوید ترک تاجیک را همدم داند و هم آغوش و مهربان شمرد
کلّ با هم در نهایت الفت و یگانگی معاشرت و مصاحبت نمایند بیگانگی
نماند ذکر اغیار نشود و همدگر را آشنا و یار و غمگسار گردند ای
پروردگار این شب تار را روز روشن فرما و این بغض و عداوت بین
ملل را به انس و محبت مبدّل کن تا عالم آفرینش آسایش یابد و
جهان پُرغرور از عالم الهی نصیب موفور جوید تویی مقتدر و توانا و
تویی بخشنده و درخشنده و بینا. ع ۴۷

ای پروردگار، ابرار را از بادهٔ آسرار سرمست کن و مَطَّلَعِ انوارِ هدایت
فرما و لَهی به دل‌ها ده و وَجَد و طَرَبی به جان‌ها بخش گوش‌ها را مَحْرَم
راز کن و قلوب را هم‌آهنگ و هم‌آواز فرما تا یاران عِلْمِ وحدت انسانی
را در این جهان بلند نمایند و سبب الفت و یگانگی جمیع بیگانگان
گردند. تویی مقتدر و توانا و تویی بخشنده و دهنده و عالم و بینا. ۴۸





هُوَ الْإِبهِي

ای پروردگار توانا این بندگان ناتوانت را از قیود هستی آزادی بخش و از دام خودپرستی رهایی ده جمیع ما را در پناه عنایت منزل و مأوی ده و کلّ ما را در کهف حفظ و حراست و انقطاع و حرّیت از شتون نفس و هوی نجات بخش تا جمیع متّفق و متّحد شده در ظلّ خیمه یک رنگ تو آئیم و از صراط گذشته در جنت ایهی وحدت اصلیه داخل گردیم

إِنَّكَ أَنْتَ الْكَرِيمُ إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْقَوِيُّ الْقَدِيرُ.

ع ۴۹

هُوَ اللَّهُ

پروردگارا مهربانا نفوسی در این محفل روحانی در نهایت تبتّل و تضرّع حاضر شدیم و توجّه به ملکوت تو نمودیم و آرزوی تأیید و توفیق می‌نماییم تا با یکدیگر متّحد و متّفق گردیم و مانند شهد و شیر به هم بیامیزیم و سبب ظهور وحدت عالم انسانی گردیم با دلی پاک و جانی تابناک مناجات کنیم و طلب حاجات نماییم پرورگارا نظر به گناه منما به فضل و عنایت معامله فرما گناه بخش عطا بفرما نار محبتت برافروز و پرده اوهام و نفس و هوی بسوز ما را از شرّ نفس محفوظ و مصون بدار و در ظلّ حمایتت راحت و آسایش بخش تویی مقتدر و توانا. ع ۵۰





هُوَالله

خداوندا آمرزگار را این مجمع را تأیید کن و توفیق بخش تا عالم را به نور اتحاد روشن نماید شرق و غرب را به پرتو محبت و نور اتفاق مَنوّر کند ای بخشنده مهربان دل‌ها را به نفثات روح القدس زنده کن و روی‌ها را مانند شمع افروخته نما تا جهان را نورانی کنند و نفوس را رحمانی نمایند تویی بخشنده تویی دهنده و تویی مهربان. ع ع^{۵۱}

هُوَالله

ای پروردگار این جمع یاران تواند و به جمال تو مُنجذبند و به نار محبت مُشتعلند این نفوس را ملائکه آسمانی نما و به نفحه روح القدس زنده فرما لسانی ناطق بخش و قلبی ثابت عطا فرما قوه آسمانی ده و سُنوحاتِ رحمانی بخش و مَرّوج وحدت بشر فرما و سبب محبت و ألفتِ عالم انسانی فرما تا ظلمات مهلکه تعصب جاهلی به انوار شمس حقیقت محو و زائل گردد و این جهان ظلمانی نورانی شود و این عالم جسمانی پرتو جهان روحانی گیرد و این الوان مختلفه مُبدّل به یک رنگ گردد و آهنگ تسبیح به ملکوت تقدیس تو رسد تویی مقتدر و توانا.

ع ع^{۵۲}





هُوَالابِی

خدایا این چه فضیلتیست که عنایت فرمودی و این چه احسانیتست که ارزان کردی قلوب را حکم قلب واحد دادی و نفوس را رابطه شخص منفرد، اجسام را احساس جان عنایت کردی و اجساد را ادراک روح و روان، این ذرات تراپیه را به شعاع آفتاب رحمانیه نمایش و وجودی عنایت کردی و این قطرات فانیه را به امواج بحر احدیت هیجان و طوفان مرحمت فرمودی. ای توانایی که کاه را قدرت کوه عنایت کنی و خاک را جلوه‌گاه آفتاب پُرشکوه فرمایی، لطف و مرحمتی که بر خدمت امرت قیام نماییم تا در بین ملأ امکان شرمسار نگردیم. ع ع^{۵۳}





صلح

هو الله

ای یزدان مهربان جمیع بشر را از یک سَلاله خلق فرمودی تا اعضاء
یک خاندان گردند و بندگان حضرت تو شوند؛ در ظلِّ سُرَادِقِ فَضلت
مَأوی بخشیدی و بر خوان نعمتت مجتمع کردی و از اشراقات انوار
عنایتت منوّر ساختی. ای خدا، تویی مهربان، تویی مَلجأ و پناه و بخشنده
فیض حیات. تاج انسانی را زینت هر سری فرمودی و خلعت موهبت را
زیور کل بشر، تا غریق دریای رحمتت شوند. ای مولای مهربان، کلِّ را
مُتحد فرما و مظاهر مختلفه را به یکدیگر الفت بخش؛ جمیع ملل را
ملت واحده کن تا اجزاء یک خانمان گردند و روی زمین را یک وطن
دانند و به نهایت اتحاد، الفت جویند. ای خدا، رایت وحدت عالم انسانی
را بلند فرما، صلح اعظم را مستقر کن، قلوب را به یکدیگر التیام ده. ای
خدا، ای پدر مهربان، قلوبمان را از نفحاتِ مَحَبَّتِ شادمان کن و دیده-
ها را به نور هدایتت روشن نما و گوش‌ها را از نعمات جانپورور مُتَلذِّذ
فرما و در صون عنایت مَلجاء و پناه بخش. اِنَّكَ اَنْتَ الْقَوِيُّ الْقَدِيرُ يَا
سَتَّارَ الْعُیُوبِ وَ يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ.^{۵۴}





هُوَاللّٰه

خدایا تاریکی نزاع و جدال و قتال بین ادیان و شعوب و اقوام افق حقیقت را پوشیده و پنهان نموده جهان محتاج نور هدایت است پس ای پروردگار عنایتی فرما که شمس حقیقت جهان را کران به کران روشن نماید. عبدالبهاء عبّاس^{۵۵}

صفحه | ۳۴

هُوَاللّٰه

ای خداوند مهربان به فریاد بیچارگان برس ای پاک یزدان بر این اطفال یتیم رحم فرما ای خداوند بی نیاز این سیل شدید را قطع کن ای خالق جهانیان این آتش افروخته را خاموش کن ای دادرس به فریاد یتیمان برس ای داور حقیقی مادران جگر خون را تسلی ده ای رحمان رحیم بر چشم گریان و دل سوزان پدران رحم نما این طوفان را ساکت کن و این جنگ جهانگیر را به صلح و آشتی مبدّل فرما تویی بینا و شنوا. ع^{۵۶}

هُوَاللّٰه

ای پروردگار نوع بشر را موفّق نما که به وصایا و نصایح مندرجه در این مکاتیب عمل نمایند تا از عالم انسانی نزاع و جدال زائل گردد و بنیان خصومت برآفتد و بنیاد الفت و محبت تأسیس شود قلوب مؤتلف





و نفوس منجذب گردد عقول ترقّی کند و وجوه روشن و نورانی گردد
جنگ و جدال نماند صلح و سلام رخ بگشاید وحدت عالم انسانی در
قطب آفاق خیمه برافرازد قبائل و امم مختلفه امت واحد شود و اقالیم
متعدّده حکم اقلیم واحد یابد بسیط زمین وطن واحد شود و شعوب و
ادیان مُتعارضه متنازعه ملّت واحد گردد عالم آفرینش آرایش جوید و
مَنْ فِي الْأَرْضِ رَاحِتٍ وَ آسَاسٍ يَابِدُ تَوْبِي مَقْتَدِرٌ وَ تَوَانَا وَ تَوْبِي دهنده و
بخشنده و بینا. ع ۵۷





درخواست یاری

إِلهَا مَعْبُودَا

عبادت را از ثمره وجود محروم منما و از بحر جودت قسمت عطا فرما
تویی مقتدری که قوت عالم قوتت را ضعیف نمود و شوکت آمرای
آرض تو را از مشیتت باز نداشت. از تو می‌طلبم فضل قدیمت را و
عنایت جدیدت را. تویی فضال و تویی غفار و تویی بخشنده و توانا.^{۵۸}

پاکا پادشاهها

هر آگاهی بر یکنائیت گواهی داده. تویی آن توانایی که جودت وجود را
موجود فرمود و خطای عباد عطایت را باز نداشت. ای کریم از مطلع
نورت منور نما و از مشرق عنایت ثروت حقیقی بخش. تویی بخشنده و
توانا.^{۵۹}

بارخدایا پروردگارا ضعیفیم و به فضلت امیدواریم، به خبل کرمت
متمسکیم و به آذیال رداء جودت متشبث، ما را به خود وامگذار. ای
قوی، دست ضعیفان را بگیر و از غرقاب ظنون و هوی نجات بخش.
تویی معین و تویی مقتدر، ماییم درمانده و ماییم ضعیف. روح را
بی‌عنایتت روحی نه، و جان را بی بخشش اثری نه. ای کریم اعمال
نالایقه را به طراز قبول مژین فرما و اقوال ناشایسته را به حکمت ستر





نما. جز تو نداریم و جز تو نخواهیم. ما را در پناهِ عِصْمَتِ مَأْوَى ده و در
ظِلِّ قِبَابِ عَظَمَتِ مَسْكَنِ عطا فرما. جز تو حافظی نداریم، به بابِ
فضلت متوجه ایم و بدایع رحمت را منتظر، آن کن که لایق بزرگی تو
است و سزاوار جود و کرم تو. لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الْكَرِيمُ.^{۶۰}

صفحه | ۳۷

الها معبودا

این نهالیست تو غرس نمودی از آسمانِ سحابِ رحمتِ آبش ده. تویی
آن کریمی که عِصیانِ عالم تو را از کرم منع نمود و از بدایعِ فضلت
باز نداشت تویی که جودت وجود را موجود فرمود و به افقِ اعلیٰ راه
نمود عبادت را از صراطِ مستقیمت منع مفرما. تویی قادر و توانا.^{۶۱}

هُوَ اللَّهُ

ای پروردگار آن مُشْتاقِ دیدار را در ملکوتِ بزرگوار کن و تاجی از
موهبت بر سر نه و خلعتی از هدایتِ کُبری در بر نما زبانِ ناطق ده و
بیانِ واضحِ بخشِ قوَّتِ ملکوتِ بنما و تأییدِ رُوحِ الْقُدُسِ ظاهر کن تویی
مقتدر و توانا و تویی بخشنده و درخشنده و بینا. ع ۶۲





هُوَ الْإِلهِ

ای پروردگار به آنچه سزاوار است موفق کن ای آمرزگار به آنچه
لایقست مؤید فرما این دست‌ها به دامن عفو پیوسته و این دل‌ها به
مَحَبَّتِ مُقَيَّد و بَسْتِه عنایت کن موهبت بخش. ع ۶۳

هُوَ اللهُ

ای یزدان مهربان و بخشنده و درخشنده زمین و آسمان ما جمعیم
پریشان تو مُسْتَمْنَدیم درویشان تو آوارگانیم بیچارگان و افتادگانیم
آشفتگان افسردگانیم پژمردگان دردمندیم درمانی بخش رنجوریم
دوایی عنایت کن افسرده ایم شعله ای ده پژمرده ایم لمعه ای بیفشان
بیگانه ایم آشنا کن پروانه ایم پرسوخته شمع وفا فرما تشنه ایم و به
خون دل آغشته چشمه خوشگوار برسان و از آب حیات بنوشان ولوله
در شهر انداز و آشوبی در آفاق افکن تا دل‌ها حیران تو گردد و جان‌ها
قربان تو. ع ۶۴

هُوَ اللهُ

خداوند مهربانا این جمع در ظل رحمت تواند و این نفوس متوجه به
ملکوت تو خدایا بندگانیم کرم عنایت کن فقرایم از کنز آسمانی بخش
نادانیم به حقایق اشیاء دلالت کن ضعیفیم قوت آسمانی رسان فانی





هستیم به عالم بقا در آر محتاجیم و منتظر تأیید تو اگر عنایت رسد
قطره دریا شود ذره آفتاب گردد اگر از الطافت محروم ماند از هر چیز
بی بهره و نصیب شود پس عنایت کن و مرحمت فرما تا عَلم وحدت
عالم انسانی بلند نماییم و نورانیت آسمانی شرق و غرب را احاطه کند
جمع احزاب متحد شوند و حیات ابدی جویند و ترویج وحدت عالم
انسانی نمایند و صلح عمومی انتشار دهند تویی کریم تویی معطی تویی
مهربان. ع ۶۵

هُوَاللّٰه

ای پروردگار این دوستان یاران تو اند و این جمع عاشقان پریشان تو
مَلَجَائِی جز پناه تو ندارند و مَأْمَنِی به غیر از بارگاه تو نجویند پس مدد
فرما و عنایت و نصرت فرما و هدایت و به آنچه رضای خودت است
دلالت کن و بر امرت مستقیم و استوار بدار بیچارگانیم آوارگانیم
درماندگانیم افسردگانیم پژمردگانیم جانی ببخش روانی بده دری بگشا
گشایشی بنما سر و سامانی بخش درد را درمانی بنما زخم را مرهمی
کن و زهر را شکری نما ظلمات را انوار کن و زحمات را راحت آشکار
جز تو ندانیم جز تو نجویم جز نامت نگویم جز در بادیهٔ محبّت
نپوئیم مرحمت فرما عنایت کن هدایت بخش إِنَّكَ أَنْتَ الْقَوِيُّ الْقَدِيرُ.

ع ۶۶





ای پروردگار، عقده‌های مشکل در کار افتاده و عقباتِ صَعِبِه در راه پیدا شده. خداوندا، گره بگشا و قَوّت و قدرت بنما مشکل آسان کن و راه صَعَب سهل نما. ای پروردگار، عَقْدَهُ کار مُحکَم است و تعب و مَشَقَّت با هزاران صُعُوبَات توأم به جز تو معینی نه و به غیر از تو یآوری نیست امید به تو داریم و توکّل بر تو نمائیم. تویی راه نما و تویی گره گشا و تویی دانا و بینا و شنوا.^{۶۷}

هُوَاللّٰهُ

پروردگارا پرتوی از شمس حقیقت بر این انجمن زن تا نورانی گردد.

ع ۶۸

هُوَاللّٰهُ

خداوندا این نفوس را یاری کن و بزرگواری بخش و از هر قیدی عاری فرما و نگاهداری کن و دلداری ده و به جمیع آمال و آرزو بر خورداری بخش تویی بخشنده و دهنده و مهربان. ع ۶۹

هُوَاللّٰهُ

خداوندا مهربانا کریمنا رحیمنا ما بندگان آستان تویم و جمیع در ظلّ وحدانیت تو، آفتاب رحمت بر کلّ مُشْرِق و ابر عنایت بر کلّ می‌بارد





الطافت شامل کلّ است و فضلت رازق کلّ جمیع را محافظه فرمایی و کلّ را به نظر مکرمت منظور داری ای پروردگار الطاف بی پایان شامل کن نور هدایت برافروز چشم ها را روشن کن دلها را سرور ابدی بخش نفوس را روح تازه ده و حیات ابدیه احسان فرما ابواب عرفان بگشا نور ایمان تابان نما در ظلّ عنایتت کلّ را متحد کن و جمیع را متفق فرما تا جمیع انوار یک شمس شوند امواج یک دریا گردند اثمار یک شجر شوند از یک چشمه نوشند از یک نسیم به اهتزاز آیند از یک انوار اقتباس نمایند تویی دهنده و بخشنده و توانا. ع ۷۰

هُوَاللّٰهُ

ای مولای شفوق و حنون از ملکوت ابهات نظری به حال این پروردگان ید عنایتت افکن و حزب مظلومت را قوت و شهرتی ده آتش فرقت و حرقتت بنشان و به ماء معین هدایت من علی الارض تسکین و تخفیف ده قلوب پژمردهٔ دوستان را به بشارتی جدید مشعوف کن و بنیان مجید امرت را در آن اقلیم مقدس استوار و مرتفع فرما هر مشکلی را به ید قدرتت رفع کن و وحشت و اضطراب را به آسایش دل و جان تبدیل ده آشفتهگان رویت را به تحقق آمال تسلیت بخش و این آوارگان مستمند را در کفّ حراست و حمایت محفوظ دار

بندهٔ آستانش شوقی ۷۱





شُکر

الها معبودا ملکا مقصودا

به چه لسان تو را شکر نمایم غافل بودم آگاهم فرمودی مُعرض بودم
 بر اقبال تأیید نمودی مرده بودم از آب حیات زندگی بخشیدی
 پژمرده بودم از کوثر بیان که از قلم رحمن جاری شده تازگی عطا
 کردی. پروردگارا وجود کلّ از جودت موجود از بحر کرمات محروم
 مفرما و از دریای رحمتت منع مکن. در هر حال توفیق و تأیید می‌طلبم
 و از سماء فضل بخشش قدیمت را سائلم. تویی مالک عطا و سلطان
 ملکوت بقا. ۷۲

صفحه | ۴۲

هُوَالاِیُّ

ای دلبر یکتا ای محبوب بی‌همتا شکر تو را که این بیچاره آواره را به
 جمیع عنایات و الطاف مفتخر و مُتباهی فرمودی و در ظلّ ممدود
 شجره آنیسا مأوی بخشیدی. ع ۷۳

هُوَاللّٰه

خدایا شکر تو را که این دل و جان به جانان رساندی و این بی بهره را
 نصیب بی پایان بخشیدی این گمگشته را به کوی خویش خواندی و این





سر گشته را در پناه خود سر و سامان دادی تویی دهنده و بخشنده و
پاینده و مهربان. ع ع ۷۴

هُوَ اللَّهُ

خدایا تو را شکر باد که این بیگانه را آشنای خویش نمودی و این
بیچاره را به پناه خود راه دادی تشنهٔ جان سوخته را آب حیات
بخشیدی و ماهی لب تشنه را به عذبِ فُرات در آوردی لَكَ الْحَمْدُ
عَلَى ذَلِكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْكَرِيمُ الرَّحِيمُ الْوَهَّابُ. ع ع ۷۵





رزق و روزی

هُوَالابهی

ای پروردگار مستمندانیم مرحمتی کن و فقیرانیم از بحر غنا نصیبی بخش محتاجیم علاجی ده ذلیلانیم عزتی ببخش جمیع طیور و وحوش از خوان نعمت روزی خوار و جمیع کائنات از فیض عنایت بهره بردار این ضعیف را از فیض جلیل محروم مفرما و این ناتوان را از توانایی خویش عنایتی بخش رزق یومی را رایگان ده معیشت ضروری را برکتی احسان فرما تا مستغنی از دون تو گردیم و به کَلّی به یاد تو افتیم راه تو پوئیم روی تو جوئیم راز تو گوئیم تویی توانای مهربان و تویی رازق عالم انسان. ع ع^{۷۶}

هوالله

خداوندا چگونه تو را شکر نمایم نَمَاءِ تو نامتناهی است و شکرانه ما محدود چگونه محدود شکر غیر محدود نماید عاجزیم از شکر الطاف تو و به کمال عجز توجّه به ملکوت تو می‌نماییم و طلبِ اِزْدیادِ نعمت و عطاى تو می‌کنیم تویی دهنده و بخشنده و توانا. ع ع^{۷۷}





حفظ و حمایت

الهی الهی اولیای خود را حفظ فرما. تویی آن کریمی که عفوت عالم را احاطه نموده بر عبادت رحم فرما و تأیید نما بر اعمال و اخلاق و اقوالی که لایق ایام توست. به یک کلمه عُلَیا، بحر بخشش مَوَاج و به یک اشراق نیر امر، آفتابِ جود و غفران ظاهر و هویدا. همه بندگان تواند و به امید کرمت زنده‌اند. دستِ قدرت از جَبِی قَوْت بر آر و این نفوس در گِل مانده را نجات ده. تویی مالکِ اراده و سُلطانِ جود. لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ.^{۷۸}

الها کریمایا یکتا خداوندا

جودت وجود را هستی بخشید و موجود نمود. این مظلومان را در ظلّ سدرهٔ عدلت مأوی ده و فقیران را به بحر غنایت راه نما. تویی مالکِ جود و سلطانِ عطا.^{۷۹}

إِلهَا مَعْبُودَا مَسْجُودَا کَرِیْمَا رَحِیْمَا

تو آگاهی و دانایی این عبادِ لثالی مَحَبَّتت را در خزائنِ اَفْتَدَه و قلوب به اِسْمت حفظ نمودند. حال از تو می طلبیم و مَسْتلت می‌نمائیم ما را از سارقین و خائنین خَراست نما و حفظ فرما. تویی قادر و توانا.^{۸۰}





هُوَاللّٰه

ای رحمن ای یزدان بنده ای هستم ضعیف و نحیف و ناتوان ولی در پناه فضل و موهبت تو پرورش یافتم و از ثدی عنایت شیر خوارم و در آغوش رحمتت در نشو و نمایم ای خداوند هر چند مستمندم ولی هر مستمندی به عنایت تو ارجمند است و هر توانگری بی الطافت فقیر و حاجتمند ای پروردگار تأییدی فرما که این حیل اعظم را قدرت تحمّل ماند و این عنایت کبری را محافظه توانم زیرا قوه امتحان شدید است و سَطوتِ افتتانِ عظیم کوه کاه گردد و جَبَلِ خردل شود تو آگاهی که در ضمیر جز ذکرت نجویم و در قلب جز مَحَبَّتِ نخواهم بر خدمت احبّایت قائم نما و بر عُبُودِیَتِ آستانت دائم کن تویی مهربان و تویی خداوند کثیرُ الإِحسان. ع ۸۱

هُوَالْآبِی

ای پروردگار این بندهٔ درمانده را در کُهِفِ منیعتِ مَأُوی ده و در مَلَاذِ رفیعتِ مسکنِ بخشِ شمعِ روشنی در قلبش بر افروز و چشمةٔ سلسبیلی از دلش جاری کن ابوابِ فیضِ بر رُخْشِ بر گشا و اسرارِ غیبِ به فؤادش الهام فرما تویی نصیرِ تویی ظهیرِ تویی مُجیرِ تویی دستگیرِ چون به تو پردازیم از همه چیز آزادیم چون به پیمان و ایمان تو ثابت و استواریم از غیر تو بیزاریم پروردگارا رحم کن استقامت بخش. ع ۸۲





عفو و بخشش

إِلهَا مَعْبُودًا مَسْجُودًا

به یک کلمه از کلمات غلیبا آرض و سما را خلق فرمودی و به یک قطره از دریای جودت وجود را موجود نمودی. تویی مقتدری که قوت و قدرت جَبَابِرَةُ آرض و فراعنة بلاد تو را از اراده منع ننمود. ای کریم فقیری به بابت توجه نموده و ضعیفی به حیل اقتدارت تمسک جسته از تو کرم قدیمت را می‌طلبد و عفو جدیدت را سائل و آمیل او را از دریای فضل محروم منما و از کوثر زندگانی ابدی ممنوع مساز تویی قادر و توانا. ای پروردگار ذرات عالم بر غنایت گواهند و بر فضلت مُقَرَّرٌ و مُعْتَرَفٌ، آیا می‌توانی تو غنی مثل منی فقیر را محروم می‌نماید؟ حاشا وَ كَلَّا. أَشْهَدُ وَ يَشْهَدُ كُلُّ الْأَشْيَاءِ بِأَنَّكَ أَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ وَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.^{۸۳}

کریم رحیم

گواهی می‌دهم به وحدانیت و فردانیت تو و از تو می‌طلبم آنچه را که به دوام ملک و ملکوت باقی و پاینده است. تویی مالک ملکوت و سلطان غیب و شهود. ای پروردگار مسکینی به بحر غنایت توجه نموده و سائلی به ذیل کرمت اقبال کرده او را محروم منما. تویی آن فضالی که ذرات کائنات بر فضلت گواهی داده تویی آن بخشنده‌ای که جمیع





مُکَنکات بر بخششست اعتراف نموده. این بنده از کلّ گذشته و به حِیال جُود و آذیال کَرَمَتِ تَمَسِّک و تَشَبُّثِ جُسْتِه و در جمیع احوال به تو ناظر و تو را شاکر. اگر اجابت فرمایی محمودی در آمر و اگر رَدّ نمایی مُطاعی در حکم. تویی آن مُقتدری که کلّ نزد ظهورش عاجز و قاصر مشاهده شوند. ای کریم این عبد را به خود وامگذار تویی قادر و توانا و مالک جُود و عَطا.^{۸۴}

هُوَ النَّاصِرُ الْمُعِينُ

إِلهَا کریمَا رَحِيمَا به تو توجّه نموده‌ام و به حَبَلِ عِنَايَتِ مُتَمَسِّکِم و به ذیل کَرَمَتِ مُتَشَبُّثِ. تویی آن کریمی که یک قطره از دریای غفرانت عِصیانِ عالمیان را مَحْو نماید و یک کلمه از فَمِ عِنَايَتِ آبِ حَيَوَانِ بر أَهْلِ إِمکانِ مَبْذُولِ دارد. ای بَخْشَندهٔ یکتا عِبَدَتِ را مَحْرُومِ نما و از بَحْرِ رَحْمَتِ قَسْمَتِ عطا نما و از دریای جودت نصیبی مَقْدَرِ فرما. اَلْسُنُ عَالَمِ قَابِلِ ذِکْرَتِ نَه، و اَفْتِدَةُ اُمَمِ لَایقِ اِدْرَاکِ هَسْتِیَتِ نَه. هستی تو وَرَایِ اِدْرَاکِ عَقُولِ و فَوْقِ عِرْفَانِ نَفُوسِ بُوْدِه و هَسْتِ. به کمالِ عِجْزِ و اِیْتِهَالِ بَخْشِشِ قَدِیْمَتِ را می‌طَلِبِم و فَضْلِ عَمِیْمَتِ را می‌جُویِم. تو دانا و آگاهی به ذِکْرَتِ زَنْدِهَامِ و به اُمیدِ لِقَايَتِ مَوْجُودِ و پَایَنْدِه. آن کُنْ که سزاوارِ بَخْشِشِ تَوْسْتِ نَه لَایقِ ذِکْرِ و ثِنایِ مَن. لَا اِلهَ اِلَّا اَنْتَ الْغَفُورُ الْکَرِیْمُ. اَلْحَمْدُ لَکَ اَنْتَ مَقْصُودُ الْقَاصِدِیْنِ.^{۸۵}





یا حسین بگو

پروردگارا تویی پادشاهی که امرت را جنود عالم منع نمود و سَطوتِ
أُمم از اقتدارت باز نداشت. تویی آن کریمی که عِصیانِ آهل امکان
ملکوتِ غفرانت را منع نمود. رحمتت بمثابه غیثِ هاطِل بر عاصی و
مُطیع نازل. ای رحیم بندگانت را از دریای بخششست منع منما و محروم
مساز. تویی بخشنده و مهربان.^{۸۶}

صفحه | ۴۹

به لسان جان محبوب امکان را ندا کن و بگو: ای خدای من و مالک من
و دوست من و محبوب جان و روان من چگونه از عهدهٔ شکر تو برآیم.
در بحر غفلت و نادانی مستغرق بودم، لسان فضلت مرا ندا نمود و ید
عنایتت مرا اخذ کرد. ای پروردگار من، غفلت من به مقامی رسید که
مرا از فرات عذب یقین محروم ساخت و به ماء صدید ظنون راه نمود.
از ذکرت غافل شدم و تو از من غافل نشدی، از حَبَّتِ محمود بودم و
نار عنایت تو مشتعل. به کدام وجه به تو توجه نمایم و به چه لسان تو
را بخوانم. خجلت و انفعال مرا فرو گرفته و از جمیع جهات مأیوس
ساخته، ولكن ای پروردگار من و مقصود من و مولای من، شنیده ام که
فرموده‌ای امروز روزی است که اگر یک بار نفسی از روی صدق، «رَبِّ
أَرِنِي» گوید، از ملکوت بیان، «أَنْظِرْ تَرَانِي» استماع نماید و از این کلمهٔ
مبارکهٔ عالیه، مقام امروز معلوم و واضح است. و همچنین فرموده ای





اگر نفسی از اوّل لا اوّل از جمیع اعمال حسنه محروم مانده باشد، ایوم تدارک آن ممکن است؛ چه که دریای غفران در امکان ظاهر، و آسمان بخشش مرتفع. سؤال می‌کنم از تو به حُرمتِ این روز مبارک که مصدر و مطلع ایّام است، مرا به رضای خود موفق بداری و به طراز قبول مزین نمایی. آی رَبِّ اَنَا الْمِسْكِينُ وَ عِنْدَكَ بَحْرُ الْغَنَاءِ وَ اَنَا الْجَاهِلُ وَ عِنْدَكَ كَنْزُ الْعِلْمِ وَ الْعِرْفَانِ وَ اَنَا الْبَعِيدُ وَ اِنَّكَ اَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْمُتَعَالِ الْقَرِيبُ.^{۸۷}

هُوَ اللَّهُ

ای پروردگار هر چند عاجز و ناتوانم ولی تو قادر و توانا شرمنده‌ایم درمانده‌ایم و عاجز مانده‌ایم تو مُعینی تو ظهیری تو دستگیری آنچه سزاوار پروردگاریست شایان فرما و آنچه شایان آمرزگاریست ارزان کن تویی بخشنده و دهنده و حفظ کننده و مهربان. ع ع^{۸۸}

هُوَ اللَّهُ

ای یزدان مهربان غریق بحر عصیانم طریق غفران بنما سراسر قصورم از دام غرور رهایی بخش جسمانیم روحانی نما امکانیم رحمانی کن تشنهٔ ماء معینم به عین تسنیم دلالت فرما مشتاق دیدارم مشاهدهٔ انوار میسر فرما از خود بیزارم گرفتار خویش کن از عالمیان در کنارم نفعه





زلف مشکبار به مشامم آر سرگردانم سر و سامان بخش بیچاره ام
آواره ام پناه ده مشتاقم به وثاقِ وصالِ درآر در احتراقم نور اشراقِ بیار
ضعیفم توانا نما فقیرم از کنزِ غنا عطا کن دردمندم درمان ده جریحم
مرهم عطا کن گرفتارم رهایی بخش پُرگناهم از دلت عصیان برهان در
ظلمتِ عنایت مسکن بخش و به صرفِ موهبت معامله فرما تا پی به
جهان دیگر برم و به کشور دیگر رهبر شوم از کأسِ طهورِ سَرَمست
گردم و در میخانهٔ محبت می‌پرست شوم تویی قادر و توانا و تویی
کریم و رحیم و پُرعطا. ع ۸۹

هُوَاللّٰه

ای پروردگار هر چند گنه‌کاریم ولی غفران تو اعظم از هر گناه هر چند
ظلمت عصیان ظاهر و عیان ولی کوب رحمت درخشنده‌تر از مه
تابان پرتوی آن ظلمت را محو نماید و موجی آن خس و خاشاک را
زائل کند ای پروردگار ای آمرزگار بخششت آفرینش را حیات جدید
بخشید و خورشید احسانت از افق امکان بدرخشید با وجود این مواهب
عاصیان را چه غم و چه باک جمیع مُلتجی به کُهِفِ منیع و لائذ به
ملاذ رفیع موهبتی عطا فرما که سراج قلوب به نور هُدی روشن گردد و
حدائق نفوس به بهار دائمی گلشن شود. تویی بخشنده و مهربان و





آمرزنده هر پژمرده بُرعِصیان. اِنکَ اَنتَ الرَّحْمَنُ يا عَظِيمَ العُفْرانِ و اِنکَ
اَنتَ العَفُوُّ العَفُوْرُ المُسْتَعان. ع ع ٩٠





پدر و مادر

هُوَاللّٰه

ای پروردگار پدر و مادر این بنده درگاه را در دریای غفران غوطه ده و از گناه و خطا پاک و مقدّس نما عفو و بخشش شایان نما و غفران و آمرزش ارزان کن تویی آمرزنده و تویی غفور تویی بخشنده فیض موفور ای آمرزگار هر چند گنه کاریم ولی امید به وَعَد و نوید تو داریم و هر چند در ظلمت خطا مبتلاییم ولكن توجّه به صبح عطا داشته و داریم به آنچه سزاوار درگاه است معامله کن و هر چه شایگان بارگاه است شایان فرما تویی غفور تویی عفو و تویی بخشنده هر قصور.

ع ع^{۹۱}





کودکان

بگو ای آقای من و مولای من و اله من و پدید آورنده من، سؤال می‌کنم از دریای بخشش تو که این نهال نورسته در بوستان محبت خود را از کوثر حیوان بنوشان و از آریاح خریف حفظش نما. تویی توانا و تویی دانا. ای خدای من به تو رو آوردم و تو را ذکر می‌نمایم و به مبارکی اسمت از دونت فارغ و آزادم. ای خدا به تو ناظریم و از تو می‌طلبیم ظاهر کن از ما آنچه را که سزاوار تو و ایام تو است. تویی عطاکننده و بخشنده.^{۹۲}

هُوَاللَّهِ

پروردگارا این اطفال را نهال‌های بی‌همال کن و در حدیقه میثاق نشو و نما بخش و به فیض سحاب ملکوت ابهی طراوت و لطافت ده مهربانا طفل صغیرم به دخول در ملکوت کبیر فرما در زمین آسمانی فرما ناسوتیم لاهوتی فرما ظلماتیم نورانی کن جسمانیم روحانی نما و مظهر فیوضات نامتناهی فرما تویی مقتدر و مهربان. ع ع^{۹۳}

هُوَاللَّهِ

ای پاک یزدان این نهالان جویبار هدایت را از باران ابر عنایت تر و تازه فرما و به نسیم ریاض احدیت اهتزازی بخش و به حرارت شمس





حقیقت جانی تازه عطا نما تا نشو و نما نمایند و روز به روز ترقّی کنند و شکفته گردند و پُربار و برگ شوند ای پروردگار جمله را هوشیار کن و قوّت و اقتدار بخش و مظاهرِ تأیید و توفیق فرما که در نهایت برآزندگی در بین خلق مَحشور شوند تویی مقتدر و توانا. ع ۹۴

هُوَ اللهُ

نونهالانِ گلشنِ توحید که درس اخلاق می‌خوانند منظورِ نظرِ عنایتند و در ظلّ فضل و موهبتِ حضرتِ آخِدتیت. عبدالبهاء با نهایت تضرّع و ابتهاج آن اطفال را ترقی خواهد و تَدَرُّج در درجاتِ علویّت عالم انسانی طلبد. امید است که چنین گردد. ع ۹۵

هُوَ اللهُ

خداوندا این طفلِ صغیر را در آغوشِ محبّت پرورش فرما و از ندیِ عنایت شیر ده این نهال تازه را در گلشنِ محبّت بنشان و به رشحاتِ سحابِ عنایت پرورش ده از اطفالِ ملکوت کن و به جهان لاهوت هدایت فرما تویی مقتدر و مهربان و تویی دهنده و بخشنده و سابق الإِنعام. ع ۹۶





نوجوانان

هُوَالله

ای پروردگار این نوجوان را نورانی کن این بینوا را نوایی بخش و آگاهی عطا فرما و در هر صبحگاهی مدد جدیدی بخش، تا در پناه تو از هر گناهی محفوظ و مصون ماند و به خدمت امرت پردازد. گمراهان را هدایت فرماید و بیچارگان را دلالت کند. اسیران را آزاد نماید و غافلان را بیدار کند و به یاد و ذکر دم‌ساز شوند. تویی مقتدر و توانا.

ع ع^{۹۷}





دختران

هُوَالله

ای جلیل اکبر، این کنیز صغیر را دختر خوش‌اختر فرما و در درگاه احدیت عزیز کن. از جام مَحَبَّت لبریز نما تا شور و وَهَمی انگیزد و مُشک و عنبری بیزد. تویی مقتدر و توانا و تویی دانا و بینا. ع ع^{۹۸}

ای پروردگار این دختر ملکوت را در دو جهان عزیز نما. از جهان خاک و خاکیان بیزار کن و به جهان باقی همدم و همراز نما. قوت تأیید بخش و به نَفَثَاتِ رُوحِ الْقُدُسِ تقویت نما تا به خدمتت قیام نماید. تویی توانا. ع ع^{۹۹}





ازدواج

ای خداوند، این اقتران را سبب برکت آسمانی کن و اسباب اشتعال به نار محبتت در ملکوت جاودانی فیضی عطا نما که هر دو در غتبهٔ مقدّسات مقرب گردند و بر محبتت ثابت مانند و روز به روز در مقامات روحانیّه ترقی نمایند و در بین خلق دو آیت باهرهٔ ایمان و ایقان شوند وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.^{۱۰۰}

ای پروردگار، این عقد الفتی که بر بستی پاینده دار و این بنده و کنیز را ارتباطی روحانی و جسمانی بخش این اقتران را شُکون فراوان ده و این ازدواج را سبب ابتهاج فرما بر روحانیت هر دو بیفزا و نورانیت بخش تا هر دو در نهایت راستی و حقیقت پرستی به عبودیت آستان مقدّست موقّق گردند جز تو نخواهند و جز تو نجویند و جز ذکر تو نگویند سر گشتهٔ کوی تواند و آشفتهٔ روی تو. تویی عزیز و مهربان و تویی بخشنده و مَنَّانَ أَنْتَ الْمَوْقِقُ الْمُوَيَّدُ الْكَرِيمُ الرَّحِيمُ.^{۱۰۱}





شفای بیماران

هو الله

ای پروردگار این تشنهٔ سلسبیل حیات را از چشمهٔ حیوان بنوشان و این
علیل را از درمان ملکوتی معالجه فرما این مریض را شفای حقیقی
بخش و این طَریحِ فِراش را از درِیاقِ اعظمِ قوهٔ و توانائی عطا فرما توئی
شافی توئی کافی و توئی وافی. ع ۱۰۲





ترک آلودگی و اعتیاد

هُوَ اللَّهُ

ای پروردگار اهل بها را در هر موردی تنزیه و تقدیس بخش و از هر آلودگی پاکی و آزادگی عطا کن و از ارتکاب هر مکروه نجات ده و از قیود هر عادت رهایی بخش تا پاک و آزاد باشند و طیب و طاهر گردند سزاوار بندگی آستان مقدّس شوند و لایق انتساب به حضرت احدیّت از مُسکِرَات و دخان رهایی بخش و از افیون مورثِ جنون نجات و رهایی ده و به نفحاتِ قدس مأنوس کن تا نشأه از بادۀِ مَحَبَّتِ اللَّهِ یابند و فرح و سرور از انجذابات به ملکوت ابهی جویند چنانچه فرمودی:

آنچه در خمخانه داری نشکند صَفْرای عشق

زان شراب معنوی ساقی همی بحری بیبار

ع ع ۱۰۳





در گذشتگان

هُوَالْأَبْهَى

ای پروردگار ای مهربان این دوستان معتکف آستانند و این یاران از حرارت محبت شعله سوزان، به یاد تو چون بحر مواجد و در انجمن توحید چون سراج و هاج، هر یک موجی در بحر عنایتند و هر یک دُرّجی از لثالی هدایت، در سحرگاه با دلی آگاه بگریند و بزارند و در شبانگاه به یاد جمالت بخوابند و بیارامند تویی بخشنده و مهربان تویی پاینده و رحمن. ای بی نیاز مردگان را بیمارز و بازماندگان را بنواز درماندگان را درمان شو و آزادگان را پناه و امان از قصور در گذر و ذنوب ببخشا تو ستاری تو آمرزگار. ع ع^{۱۰۴}

هُوَاللّٰه

پروردگارا این جان‌های پاک سوی تو شتافتند و از جوی تو نوشیدند و آرزوی روی تو نمودند این بستگان را در دریای غفران غوطه ده و این مشتاقان را به لقای خویش فائز و خورسند فرما پروانه‌های شمع تواند و آرزومند جمع و انجمن تو آنچه آرزوی دل و جان است شایان و رایگان فرما. عبدالیهاء عباس^{۱۰۵}





هُوَاللهُ تَعَالَى

پروردگارا آمرزگارا، نفسِ نفیسی به ملکوتِ شهود صعود نمود و از خادکانِ فانی به جهانِ جاودانی شتافت، میهمانِ جدید است، عزیز فرما. بندهٔ قدیم است، خلعتِ بدیع عطا کن. ای بی نیازِ بیامرز و بنواز و به خلوتگاهِ راز راه ده و در محفلِ تجلیِ همدم و دمساز نما، تویی دهنده و بخشنده و مهربان، و تویی آمرزنده و نوازنده و توانا. ع ۱۰۶

صفحه | ۶۲

هُوَاللهُ

خداوند مهربانا این جان‌های پاک به جهانِ افلاک شتافتند و به جهانِ پنهان ملکوت اسرار تاختند ایزدِ پاکا این گروه عاشقان روی تو بودند و آشفته‌گان موی تو شب و روز به یادت دمساز بودند و در گلشنِ محبتِ پُرنگمه و آوازِ خداوند مهربانا گناه بیخس پناه بده کامور فرما روی منور کن مشام معطر نما و در محفلِ تجلیِ مستقر کن.

عبدالبهاء عباس ۱۰۷

هُوَاللهُ

ای خداوند بی‌مانند این یار عزیز را پرور و تارکش را به افسر عطا زینت و زیور بخش دیهیمِ جهانبانیِ جهانِ جاودانی ده و اِکلیلِ موهبتِ آسمانی بر سر گذار مشتاق دیدار بود در محفلِ تجلیِ راه ده و آرزوی





مشاهده می‌نمود پرتو لقا مبذول فرما پروانه مشتاق بود به شمع جمال
نزدیک فرما بلبل پر احتراق بود به وصل گل فائز کن یارانش را یاوری
فرما و صبر و قرار بخش و تحمل و اصطبار عنایت کن تا در فُرقتش از
حُرقت نجات یابند و از حرمان و هجرانش تسلی قلب حاصل کنند
تویی مقتدر تویی عزیز تویی معین تویی توانا و إِنَّكَ أَنْتَ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ. ع ۱۰۸

هُوَ الْإِبْهِي

آمرزنده و مهربانا این جان‌های پاک از زندان خاک آزاد شدند و به
جهان تو پرواز کردند نیکخو بودند و مفتونِ روی تو و تشنهٔ جوی تو در
زمان زندگانی به نفعهٔ رحمانی زنده شدند دیدهٔ بینا یافتند گوش شنوا
داشتند از هر بستگی آزاد بودند پیوسته به عنایات خرم و دلشاد حال
به جهان راز پرواز نمودند و در جوار رحمت بر شجرهٔ طوبی لانه و
آشیانه سازند و به نغمه و ترانه پردازند خدایا این نفوس را گناه بیامرز
و از چاه به اوج ماه برسان در گلشن الطاف راه ده و در چمن عفو و
غفران پناه بخش سرورِ آزادگان کن و در حلقهٔ مَقْرَبان در آرزو بازماندگان
را نوازش فرما و آسایش بخش و زیور عالم آفرینش کن تا به ستایش
تو پردازند و به تسبیح و تقدیس تو تویی عَفُوٌّ تویی غفور تویی آمرزنده
و مهربان. ع ۱۰۹





ایران

به نام یزدان مهربان

پاک یزدانا خاک ایران را از آغاز مُشکبیز فرمودی و شورانگیز و دانش‌خیز و گوهرریز از خاورش همواره خورشیدت نورافشان و در باخترش ماه تابان نمایان کشورش مهرپرور و دشت بهشت آسایش پُرگل و گیاه‌جان‌پرور و کهسارش پر از میوهٔ تازه و تر و چمن‌زارش رشک باغ بهشت هوشش پیغام سروش و جوشش چون دریای ژرف پُرخروش روزگاری بود که آتش دانشش خاموش شد و اختر بزرگواریش پنهان در زیر روپوش باد بهارش خزان شد و گلزار دلربایش خارزار چشمهٔ شیرینش شور گشت و بزرگان نازینش آواره و دربدر هر کشور دور پرتوش تاریک شد و رودش آب باریک تا آن که دریای بخششت به جوش آمد و آفتاب دهش دردمید و بهار تازه رسید و باد جان‌پرور وزید و ابر بهمن بارید و پرتو آن مهرپرور تابید کشور بجنید و خاکدان گلستان شد و خاک سیاه رشک بوستان گشت جهان جهانی تازه شد و آوازه بلند گشت دشت و کهسار سبز و خرم شد و مرغان چمن به ترانه و آهنگ همدم شدند هنگام شادمانی است پیغام آسمانی است بنگاه جاودانی است بیدار شو بیدار شو ای پروردگار بزرگوار حال انجمنی فراهم شده و گروهی همدستان گشته که به جان بکشند تا از آن باران بخششت بهره به یاران دهند و کودکان خود را





به نیروی پرورش در آغوش هوش پرورده رشک دانشمندان نمایند
آئین آسمانی بیاموزند و بخشش یزدانی آشکار کنند پس ای پروردگار
مهربان تو پشت و پناه باش و نیروی بازو بخش تا به آرزوی خویش
رسند و از کم و بیش در گذرند و آن مرز و بوم را چون نمونه جهان
بالا نمایند. ع ۱۱۰

هُوَاللَّهِ

ای بندگان دیرین خسرو چرخ برین چراغ یزدان روشن است و پرتو
مهر آسمان روشنی بخش گلزار و گلشن بانگ سروش است که بلند
است و مزده پُرجوش و خروش است که جانبخش هر ارجمند و
مستمند بخشش یار مهربانست که نمودار است و ریزش ابر بهار است
که گوهر بار است دریای دانش و هوش است که گوهر فشانست و آتش
جهان دل و جانست که زبانه اش تا دامنه آسمانست پس ای یاران
یزدانی و دوستان جانی ستایش پاک یزدان را که از کشور ایران چنین
آفتابی آشکار نمود و از خاک پاک پارسیان چنین دارِ پُرباری نمودار
فرمود دست نیاز به درگاه خداوند بی انباز دراز کنید که ای پروردگار
آمرزگار نیکوکار ستایش و نیایش تو را سزاوار که این کشور خاموش را
پُرآتش نمودی و این افسردگان بیهوش را بجوش و خروش آوردی
ناامیدان را نوید امید دادی و مستمندان را به گنج روان راه نمودی





بی‌نویان را پُر‌نویان نمودی و بیچارگان را سر و سامان بخشیدی ای پروردگار آنچه در نامه‌های آسمانی نوید فرمودی آشکار کن و آنچه به زبان پیغمبران گفتی نمودار فرما نیروی یزدانیت بنما و بخشش آسمانیت آشکار کن این کشور را بهشت برین ساز و این خاور و باختر را پرتوبخش روی زمین این پارسیان را آسمانیان کن و این بی‌نام و بی‌نشان‌ها را چون اختران پرتوافشان تویی توانا تویی بینا تویی شنوا تویی پشتیبان. ع ع^{۱۱۱}

هُوَالله

ای خدای مهربان نبأ عظیمت را به اسبابی غیبی در عالم امکان نصرتی سریع بخش و یاران ایران را در این سبیل به خدماتی فائق موفق کن سراپرده وحدت عالم انسانی را در قطب آفاق بموجب تعالیم ربّانیه‌ات مرتفع نما و یاران آن سامان را در سایه آن خیمه یکرنگ در انظار عالم جلوه ده این حزب متشکّلت را در ظلّ لواء میثاقت ناصرأ مظفراً جمع کن و هر یک را عزیز دو جهان فرما آلاء و نِعَم مادّی و معنوی را بر خادمان جانفشان امرت میذول کن و این بندگان باوفایت را در ملکوت خویش به ثوابی جزیل فائز و نائل فرما. بنده آستانش شوقی^{۱۱۲}





مآخذ:

- ۱ حضرت عبدالبهاء، مجموعه مناجات های چاپ آلمان، شماره ۱۲۴.
- ۲ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۱۳۷.
- ۳ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۱۵۲.
- ۴ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۳۰۲.
- ۵ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۳۹۱.
- ۶ حضرت بهاء الله، ادعیه حضرت محبوب، ص ۳۱۹.
- ۷ حضرت بهاء الله، همان، صص ۳۳۰-۳۳۱.
- ۸ حضرت بهاء الله، آیات الهی، جلد ۲، صص ۱۰۰-۱۰۱.
- ۹ حضرت عبدالبهاء، مجموعه مناجات های چاپ آلمان، شماره ۲۵۴، ص ۲۸۴-۲۸۵.
- ۱۰ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۱۳۳.
- ۱۱ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۱۵۶.
- ۱۲ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۳۹۴.
- ۱۳ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۳۳۲.
- ۱۴ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۳۸۲.
- ۱۵ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۳۱۱.
- ۱۶ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۳۹۱.
- ۱۷ حضرت عبدالبهاء، مجموعه مناجات اطفال «هُوَ اللهُ»، جلد ۱، ص ۸.
- ۱۸ حضرت عبدالبهاء، مجموعه مناجات های چاپ آلمان، شماره ۲۸۵.
- ۱۹ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۱۰.





- ۲۰ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۱۶.
- ۲۱ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۳۱۹.
- ۲۲ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۲۶.
- ۲۳ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۳۹۶.
- ۲۴ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۲۷۴.
- ۲۵ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۳۵۰.
- ۲۶ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۱۲۰.
- ۲۷ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۳۸.
- ۲۸ حضرت عبدالبهاء، مجموعه مناجات اطفال «هُوَالله»، جلد ۲، ص ۴۱.
- ۲۹ حضرت عبدالبهاء، مجموعه مناجات های چاپ آلمان، شماره ۳۰۸.
- ۳۰ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۳۹۷.
- ۳۱ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۳۵۳.
- ۳۲ حضرت بهاءالله، ادعیه حضرت محبوب، ص ۳۵۰.
- ۳۳ حضرت عبدالبهاء، «هُوَالله»، جلد ۱، ص ۱۱.
- ۳۴ حضرت عبدالبهاء، مجموعه مناجات های چاپ آلمان، شماره ۳۹۵.
- ۳۵ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۵۷.
- ۳۶ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۳۶.
- ۳۷ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۳۶۱.
- ۳۸ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۱۰۴.
- ۳۹ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۴۰.





- ۴۰ حضرت عبدالبهاء، منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۵، شماره ۲۸۱.
- ۴۱ حضرت عبدالبهاء، مجموعه مناجات های چاپ آلمان، شماره ۴۱۳.
- ۴۲ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۳۶۳.
- ۴۳ حضرت بهاءالله، ادعیه حضرت محبوب، صص ۳۲۵-۳۲۶.
- ۴۴ حضرت عبدالبهاء، مجموعه مناجات های چاپ آلمان، شماره ۱۶۹.
- ۴۵ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۲۷۶.
- ۴۶ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۴۷.
- ۴۷ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۵۱.
- ۴۸ حضرت عبدالبهاء، منتخباتی از مکاتیب، جلد ۲، شماره ۸.
- ۴۹ حضرت عبدالبهاء، مجموعه مناجات های چاپ آلمان، شماره ۳۹.
- ۵۰ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۱۴۷.
- ۵۱ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۱۷۸.
- ۵۲ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۱۷۵.
- ۵۳ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۲۸۳.
- ۵۴ حضرت عبدالبهاء، بشارة النور، نشر آلمان، صص ۳۲۱-۳۲۲.
- ۵۵ حضرت عبدالبهاء، مجموعه مناجات های چاپ آلمان، شماره ۵۴.
- ۵۶ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۵۵.
- ۵۷ حضرت عبدالبهاء، منتخباتی از مکاتیب، جلد ۵، شماره ۳۱۵.
- ۵۸ حضرت بهاءالله، ادعیه حضرت محبوب، صص ۳۰۷-۳۰۸.
- ۵۹ حضرت بهاءالله، همان، ص ۳۲۹.





۶۰ حضرت بهاء‌الله:

<http://www.persian-bahai.org/nod/207>

۶۱ حضرت بهاء‌الله، ادعیه حضرت محبوب، صص ۳۶۸-۳۶۹.

۶۲ حضرت عبدالبهاء، مجموعه مناجات‌های چاپ آلمان، شماره ۱۲.

۶۳ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۴۳.

۶۴ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۱۵۸.

۶۵ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۴۶.

۶۶ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۱۹۴.

۶۷ حضرت عبدالبهاء، منتخباتی از مکاتیب، جلد ۲، شماره ۱۰، ص ۶.

۶۸ حضرت عبدالبهاء، «هُوَ اللهُ»، جلد ۱، ص ۱۶.

۶۹ حضرت عبدالبهاء، مجموعه مناجات‌های چاپ آلمان، شماره ۱۸۱.

۷۰ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۵۲.

۷۱ حضرت ولی امرالله، مجموعه مناجات حضرت ولی امرالله، ص ۳۹.

۷۲ حضرت بهاء‌الله، ادعیه حضرت محبوب، صص ۳۲۳-۳۲۴.

۷۳ حضرت عبدالبهاء، مجموعه مناجات‌های چاپ آلمان، شماره ۱۲۹.

۷۴ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۱۲۷.

۷۵ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۱۳۰.

۷۶ حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۳۰۷.

۷۷ حضرت عبدالبهاء، مائده آسمانی، جلد ۵، ص ۲۵۶.

۷۸ حضرت بهاء‌الله، ادعیه حضرت محبوب، صص ۳۵۸-۳۵۹.

۷۹ حضرت بهاء‌الله، همان، ص ۳۳۷.





- ^{۸۰} حضرت بهاءالله، همان، صص ۳۴۶-۳۴۷.
- ^{۸۱} حضرت عبدالبهاء، مجموعه مناجات های چاپ آلمان، شماره ۱۵۰.
- ^{۸۲} حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۱۷.
- ^{۸۳} حضرت بهاءالله، ادعیه حضرت محبوب، صص ۳۳۹-۳۴۰.
- ^{۸۴} حضرت بهاءالله، همان، صص ۳۴۸-۳۴۹.
- ^{۸۵} حضرت بهاءالله، همان، صص ۳۶۲-۳۶۳.
- ^{۸۶} حضرت بهاءالله، همان، صص ۳۲۹-۳۳۰.
- ^{۸۷} حضرت بهاءالله، همان، صص ۳۶۵-۳۶۸.
- ^{۸۸} حضرت عبدالبهاء، مجموعه مناجات های چاپ آلمان، شماره ۳۵۵.
- ^{۸۹} حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۲۵۱.
- ^{۹۰} حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۲۶۱.
- ^{۹۱} حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۴۰۶.
- ^{۹۲} حضرت بهاءالله، ادعیه حضرت محبوب، صص ۳۴۷-۳۴۸.
- ^{۹۳} حضرت عبدالبهاء، مجموعه مناجات های چاپ آلمان، شماره ۴۳۷.
- ^{۹۴} حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۴۴۰.
- ^{۹۵} حضرت عبدالبهاء، «هُوَالله»، جلد ۱، ص ۲۲.
- ^{۹۶} حضرت عبدالبهاء، مجموعه مناجات های چاپ آلمان، شماره ۴۳۱.
- ^{۹۷} حضرت عبدالبهاء، «هُوَالله»، جلد ۲، ص ۸.
- ^{۹۸} حضرت عبدالبهاء، همان، جلد ۱، ص ۲۳.
- ^{۹۹} حضرت عبدالبهاء، همان، جلد ۲، ص ۲۲.
- ^{۱۰۰} حضرت عبدالبهاء، منتخباتی از مکاتیب، جلد ۲، شماره ۵.

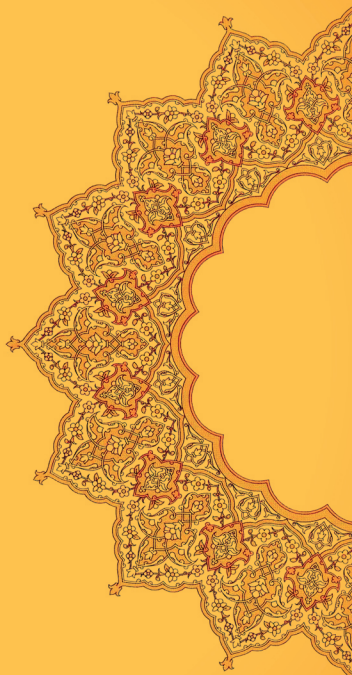




- ^{۱۰۱} حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۶.
- ^{۱۰۲} حضرت عبدالبهاء، مجموعه مناجات های چاپ آلمان، شماره ۳۵۷.
- ^{۱۰۳} حضرت عبدالبهاء، مجموعه مناجات حضرت عبدالبهاء، نشر آلمان، شماره ۳۷۷.
- ^{۱۰۴} حضرت عبدالبهاء، مجموعه مناجات های چاپ آلمان، شماره ۱۹۵.
- ^{۱۰۵} حضرت عبدالبهاء، مجموعه الواح مبارکه به افتخار بهائیان پارسی، ص ۸
- ^{۱۰۶} حضرت عبدالبهاء، بشارة التّور، ص ۴۹۱.
- ^{۱۰۷} حضرت عبدالبهاء، مجموعه الواح مبارکه به افتخار بهائیان پارسی، ص ۶۶.
- ^{۱۰۸} حضرت عبدالبهاء، بشارة التّور، ص ۴۱۷.
- ^{۱۰۹} حضرت عبدالبهاء، مجموعه مناجات های چاپ آلمان، شماره ۴۵۳.
- ^{۱۱۰} حضرت عبدالبهاء، همان، شماره ۴۴۶.
- ^{۱۱۱} حضرت عبدالبهاء، مجموعه الواح مبارکه به افتخار بهائیان پارسی، صص ۱۰-۱۱؛ نیز: یاران پارسی، صص ۷۰-۷۱.
- ^{۱۱۲} حضرت ولی امرالله، مجموعه مناجات حضرت ولی امرالله، ص ۴۰.



یاد جانان



مجموعه دعا و نیایش به زبان فارسی